

دکتر رضا تمدن

وکیل پایه یک دادگستری

## باز هم درباره ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه

یکی از هدف‌های متعالی هیأت مدیره کانون‌های وکلا در طول دوران خدمت خود سعی در بالا بردن سطح دانش و توان علمی همکاران بوده و در این راه با وجود امکانات کم و مشکلات زیاد که برای کانون وجود داشته است و خود به خوبی به آنها وقوف کامل دارید برای وصول به این هدف کاستی و مضایقه‌ای روانداشته است.

انعکاس مقالات حقوقی و علمی و ترجمه مباحث مختلف حقوقی خارج از کشور و نوشته‌های ارزشمند و سخنرانی‌های مفید و آموزنده همکاران، قضات و اساتید حقوق و سایر علاقمندان به رشته‌های حقوقی در مجله و نشر آن یکی از راهکارهایی بوده که خوشبختانه تا آنجا که امکانات کانون اجازه می‌داده آن را پیگیری و دنبال کرده است.

از ابتدای انتشار دوره جدید مجله کانون تصمیم بر این بود که این شیوه و رویه دنبال شود و عدولی حتی اندک از آن صورت نگیرد، متأسفانه اوضاع و احوالی که برای کانون در این دو سه سال اخیر پیش آمده و تحریکاتی که متعاقب دو دهه دشمنی و عناد علیه کانون یکی پس از دیگری برای محو این بنیان مردمی چیده شد، ما را بر آن داشت تا ضمن حفظ رویه معقول و اصولی خود از این وسیله مطبوعاتی و انتشاراتی استفاده کنیم و حرف‌های خود را به همکاران بزنیم و آنها را در جریان امور قرار دهیم. مگر نه این است که تندباد جهل و غرض قصد تلاشی بنیان کهن جامعه ما را دارد و کانون‌های وکلا از هر طرف در معرض امواج بی‌ترحم مخالفان خود قرار گرفته است و بدخواهان و کج‌اندیشان تیشه بر ریشه آن می‌زنند. به این ترتیب، بعد از این حفظ سکوت نه تنها مطلقاً جایز نیست، بلکه از نظر ما گناهی است علیه جامعه وکلا و کانون.

واقعاً جای تأسف است که با وجود آن همه فداکاری و از خودگذشتگی و مبارزات بی وقفه و بی امان وکلای دادگستری قبل از انقلاب در جهت رفع استبداد و ظلم و جور و تحصیل آزادی برای ملت بزرگ ایران این گونه مورد هجوم همه جانبه قرار گرفته‌اند. آنهایی که حقاً وظیفه‌دار حفظ و صیانت از یکی از دو رکن اساسی گسترش عدالت و دادگستری یعنی کانون وکلا و حافظان حق و آزادی می‌باشند خود برای محو این بنا از همه شتابان‌تر به پیش می‌روند. خوشبختانه جامعه وکلا با وجود تحمیل همه نوع ناملایمات و دشواری‌ها بردباری، متانت، دوراندیشی و مصلحت‌جویی خود را حفظ کرده و در جهت معقول به ذکر و بیان حقایق و واقعیات برای مسؤلان پرداخته است.

مخالفان برای وصول به هدف خود و لطمه زدن به کیان کانون و بی ارزش کردن آن راههای متفاوتی را آزمایش کرده‌اند و چون در این راه توفیقی به دست نیاوردند به طریق مأنوس خود موازی سازی و نقب‌زنی که شیوه و رویه امروزی بسیاری شده است روی آوردند.

ابداع ماده ۱۸۷ و گنجاندن بی مطالعه آن در قانون برنامه سوم توسعه یکی از نمونه‌های مخرب این فعالیت‌ها است. معاذیر بسیاری در توجیه طرح‌ریزی ماده ۱۸۷ از جانب طراحان آن بیان شده است که مهمترین آن اشتغال‌زایی و ایجاد کار برای لیسانسیه‌های حقوق بی‌کار می‌باشد. در حالی که این عذر و بهانه‌های نظیر آن قابل قبول نیست. همه می‌دانند ایجاد اشتغال از وظایف قوه قضائیه نیست و عدم اقدام در این باره هیچ مسؤولیتی را متوجه قوه قضائیه نمی‌کند، همانطور که این موضوع در وظایف کانون‌های وکلا هم نیست. نه قوه قضائیه و نه کانون هیچ کدام جوابگوی سیل عظیم فارغ‌التحصیلان حقوق نیستند.

هم کار قضا و هم تصدی امر دفاع احتیاج به دانش خاص و تبحر و تجربه در حرفه و کار خود دارد و کانون وکلا در عین حالی که علاقمند است تعداد بیشتری از قبول شدگان را بپذیرد ولی هیچ وقت نمی‌تواند موقعیت کانون و دانش لازم و شایسته‌جویی را به فراموشی بسپارد.

همان طور که بارها گفته و نوشته شده و همه می‌دانند وکالت حرفه تخصصی است،

این تخصص را باید آموخت، این الزام جامعه و تکلیف قانون است و با توجه به راهکارهای اجرایی برنامه سوم توسعه باید در دانشگاهها رشته تخصصی وکالت و قضاوت ایجاد گردد و پس از طی این دوره تخصصی کارآموزی وکالت و قضاوت شروع شود. قوه قضائیه با کمال تأسف و بدون آنکه اندک ممارستی در اینکار داشته باشد و از طرفی بدون آنکه تکلیف ماده ۱۸۷ از لحاظ قانونگزاری روشن و مشخص شده باشد خود را متولی و مباشر کاری که مطلقاً پایه قانونی ندارد قرار داده و به پذیرش داوطلب و انجام امتحان پرداخته است.

بر ما روشن نیست که قوه قضائیه به تبعات و آثار زیانبار این دوگانگی کار یعنی تصدی سازمان قضا و اداره امر دفاع اندیشیده است یا صرفاً برای اینکه کارشناسی حقوق و وکالت را در سیطره اختیارات خود داشته باشد بی مطالعه و بررسی عواقب این اقدام برای تشکیلات قضائی کشور، این مسؤولیت را دقیقاً معارض با وظایف خود پذیرفته است؟

نمی دانیم قوه قضائیه در صورت تصویب ترتیب جدیدی از جانب مجلس شورای اسلامی و تأیید آن از طرف شورای نگهبان برای خیل عظیمی که برخلاف قانون پذیرفته است چه پاسخی خواهد داشت؟

علاوه بر این برای ما مجهول است که با نبودن محل قانونی در بودجه، هزینه این سازمان عریض و طویل از چه محلی پرداخت می شود. پرداخت آن از جانب قوه قضائیه بر چه اساسی است؟ تفویض اختیار به عضو قوه قضائیه یا مأموریت قاضی یا کارمند دادگستری در انجام اموری که مربوط به این تشکیلات است جهت انجام کار در به اصطلاح هیأت اجرایی و بعد ارگانهای این هیأت با چه استنادی قابل توجیه است، با این فرض که قوه قضائیه به اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی عنایت داشته است.

به فرض قبول صحت این اقدامات با وجودی که قوه قضائیه براساس ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه آیین نامه آن را خود تهیه و به اجرا گذاشته است هیأت اجرایی در آگهی پذیرش داوطلب علاوه بر لیسانسیه های حقوق اشخاص دیگری را نیز به این خیل عظیم افزوده است. آیا قوه قضائیه این اقدام را موافق ماده ۱۸۷ می داند؟

مگر ما برای وصول به هدفی که پایه عملی، اجتماعی و حقوقی ندارد و به مضرات و مشکلات آن پیشاپیش آگاهی داریم باید همه قوانین و ضوابط و معیارهای شناخته شده در اجتماع را به هم بریزیم. وقتی راه معقول و عقلانی برای انجام امری وجود دارد چرا باید دست به کاری بزنیم که اجتماع ما که دقیقاً حاضر و ناظر اعمال ماست آن را مورد تأیید قرار ندهد و یا از آن متأسف باشد. آیا واقعاً این هدف غیرمعقول آنقدر ارزش دارد که برای وصول به آن قیصریه را به آتش بکشیم؟ آیا شایسته است اشتغال به مشاوره حقوقی را در اختیار مبتدیانی قرار دهیم که کانون وکلا به وکیل دادگستری و پس از ده سال اشتغال به حرفه وکالت اجازه آن را می‌دهد، مبتدیانی که معدل امتحان ورودی آنها در کانون ۳ و ۴ و نظیر آن می‌باشد؟

ما این مطالب را برای این گفته و می‌گوییم که در عین انتقاد علاقه‌مندی خود را به اعتبار و حیثیت قوه قضائیه نشان دهیم. قوه قضائیه باید مصون از هرگونه بی‌قانونی یا به عبارت بهتر نقض قانون باشد. وظیفه اصلی و اساسی قوه قضائیه احترام به قانون و اجرای صحیح آن است. ما خواهان ثبات، اقتدار، توسعه و اعتلای قوه قضائیه هستیم. این اقدامات خلاف قانون و اصول، شأن و منزلتی را که همه برای قوه قضائیه آرزو دارند لکه‌دار می‌سازد.

ما به کرات گفته و نوشته‌ایم که ضرورت دارد داوطلبان از هر درجه و مرتبه علمی هم که باشند، حتی اعضای هیأت علمی دانشگاهها به علت تخصصی بودن امر وکالت باید در آزمون ورودی کانون وکلا شرکت کنند و با توفیق در امتحان و انجام کارآموزی و اختیاب به شغل وکالت بپردازند. ولی متأسفانه قوه قضائیه بی‌توجه به مشکلات عدیده و موازین قانونی به آسانی شأن قوه قضائیه و حرفه وکالت را تا حد صدور پروانه‌ها تنزل داده است.

آیا اقدام به این کارهای غیرقانونی و بی‌منطق به نفع قوه قضائیه و مسؤولان آن است. بهتر است عاقبت این اعمال را در نظر بگیرند و از توسل به آنچه که قوه قضائیه را درگیر مشکلات عدیده‌ای اضافه بر آنچه سازمان قضائی کشور بوجود آورده پرهیز و اجتناب کنند.

اظهار نظر شورای نگهبان مبنی بر آنکه حذف ماده ۱۸۷ توسط قوه مقننه خلاف

قانون اساسی است (که خود موجب شگفتی شد) موجب طرح مجدد آن در دستور کار مجلس شورای اسلامی خواهد بود. امیدواریم مجلس شورای اسلامی با توجه به تالی فاسد این ماده برنامه سوم توسعه نسبت به آن تصمیمی شایسته اتخاذ کند. هرچند قوه مقننه توالی فاسد این ماده را بیش از قوه قضائیه احساس می‌کند و این نیز موجب شگفتی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی